

# سیاست اسلامی در اندیشه سیاسی علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء

احمد مبلغی\*، سیدجواد میرخلیلی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۶/۱۵

## چکیده

علامه شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، از عالمان و مصلحان برجسته سده اخیر جهان اسلام (متوفی ۱۳۳۲ هجری شمسی) و از جمله فقیهان شیعی تأثیرگذار در تحولات سیاسی - اجتماعی در دنیای اسلام به شمار می‌رود که با افکار و اندیشه‌های فقهی - سیاسی خویش، نقش بسزایی در بیداری امت اسلامی ایفا کرد. جامعیت او در ابعاد مختلف نسبت به سایر علمای هم‌عصرش موجب شده تا بررسی افکار و اندیشه‌های سیاسی وی از اهمیت خاصی برخوردار باشد. این نوشتار به منظور پاسخ به سؤال چیستی سیاست اسلامی در اندیشه سیاسی علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء، با بررسی برخی از مهم‌ترین آثار وی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سیاست اسلامی از دیدگاه این فقیه برجسته شیعی می‌پردازد.

## واژه‌های کلیدی:

اندیشه سیاسی، محمدحسین کاشف‌الغطاء، سیاست اسلامی، احزاب سیاسی.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره نهم
- تابستان ۹۴

سیاست اسلامی  
در اندیشه سیاسی  
علامه محمدحسین  
کاشف‌الغطاء  
(۸۹ تا ۱۰۲)

\* دانشیار دانشگاه تقریب مذاهب اسلامی. Mtmmbmi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکترای انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول). Mirkhalili@aut.ac.ir

## مقدمه

در پرداختن به نظام سیاسی مطلوب یک اندیشور، علاوه بر توجه به مبانی نظری اندیشه سیاسی او، پرداختن به مؤلفه‌ها و مبانی کلی اندیشه سیاسی وی که در حقیقت، در اینجا با عنوان کلی جایگاه سیاست در اندیشه سیاسی از آن یاد می‌شود و ذیل آن، این مؤلفه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، از اهمیت خاصی برخوردار است. با این توجه، در این مقاله به جایگاه سیاست در اندیشه سیاسی کاشف‌الغطاء پرداخته خواهد شد. برای این منظور، مباحثی همچون مفهوم‌شناسی سیاست، سیاست مثبت و منفی از دیدگاه کاشف‌الغطاء، جایگاه احزاب در اندیشه سیاسی وی، رابطه دین و سیاست و نیز دیدگاه علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء درباره حضور زنان در عرصه سیاست نیز در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد که در حقیقت همچون مبانی نظری، تشکیل‌دهنده نظام سیاسی مطلوب وی است. به عبارت دیگر، نوع نگاه وی به ارتباط دین و سیاست و یا نگرش وی به سیاست، سنگ بنای نظام سیاسی مطلوب وی را شکل می‌دهد.

مرحوم کاشف‌الغطاء همواره در مسائل سیاسی وارد می‌شد. برخی از کج‌اندیشان که دین را از سیاست جدا می‌دانستند، از او می‌پرسیدند چرا در سیاست دخالت می‌کنند؟ وی در پاسخ می‌گفت: اگر سیاست به معنای پند، راهنمایی، نهی از فساد، نصیحت و مبارزه با استعمار است، من اهل سیاستم. آری، من تا فرق سر، غرق در سیاستم؛ چنین سیاستی از واجبات است. پدر، پدربزرگ، جد و تمام خاندان من، بیش از سیصد سال رهبری دینی جهان اسلام را بر عهده داشتند. در زیارت جامعه، درباره ائمه معصوم آمده است: انتم ساسة العباد (شما سیاست‌مداران مردم هستید). سیاست ما سیاست پیامبر و امامان است.

زمانی هم کاشف‌الغطاء، نامه‌ای به محمد علی جناح، اولین نخست وزیر پاکستان می‌نویسد و هدف‌های استعماری پیمان‌های نظامی آمریکا را به او گوشزد می‌کند. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱: ۹۰-۸۹) سرجان تروتییک، سفیر انگلیس در عراق، در تاریخ ۲۷ محرم ۱۳۷۳ق به دیدار کاشف‌الغطاء می‌رود. گفتگو بین آن‌ها درباره کمونیسم، اسرائیل و مسائل دیگر صورت می‌گیرد. کاشف‌الغطاء، جنایت‌های انگلیس در جهان را به او گوشزد می‌کند. سفیر که درمانده بود، می‌گوید: آیا در این کتابخانه بسیار بزرگ شما که هزاران جلد کتاب در آن هست، کتابی علیه ما هست. سفیر فکر می‌کرد که کاشف‌الغطاء پاسخی نخواهد داشت؛ زیرا کتاب‌های او درباره فقه، اصول، تفسیر، حدیث و دیگر علوم اسلامی است که در آن‌ها اسمی از انگلیس هم نیامده است. کاشف‌الغطاء فریاد بر آورد: کتاب که چیزی نیست. قلب‌های همه ما علیه شماست. از دل یکایک ما به خاطر نیزه‌ای که شما به

جهان عرب زدید، خون می‌چکد. گفتگوی کاشف‌الغطاء با سفیران انگلیس و آمریکا با نام محاوره‌ای امام مع‌السفرین، سه بار در نجف و یک بار در آرژانتین چاپ شد.

## مفهوم‌شناسی سیاست

### الف) سیاست مثبت

علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء همچون سایر فقهای زمان‌شناس، به مسئله سیاست، توجه ویژه‌ای داشته است. وی با توجه به اینکه یک فقیه و مرجع دینی بود، اما همواره سعی می‌کرد به صورت نظری و عملی در عرصه سیاست وارد شود و دخالت مثبت و تأثیرگذار داشته باشد؛ به گونه‌ای که حضور وی در کنفرانس‌های متعدد اسلامی، سفرهای تبلیغی، نامه‌های متعدد سیاسی، گفتگو و مناظره با بزرگان سایر مذاهب اسلامی و نیز مناظره و گفتگوهای چالش برانگیز با سفرای کشورهای چو آمریکا و انگلیس، شاهد این مدعاست. از این رو به جرأت می‌توان ادعا کرد که وی نسبت به زندگی سیاسی و سامان آن بی‌تفاوت نبود و سیاست در نزد وی جایگاه بالایی داشت. به هر حال، اگر کارویژه‌های سیاست را به معنای گسترده‌اش در نظر بگیریم که شامل موارد متعددی چون گسترش عدالت، توسعه عمران و آبادی کشور، حمایت از حقوق فردی و اجتماعی، دفاع از قلمرو کشور در مقابل هجوم دشمن، جلوگیری از ظلم و ستم بیدادگران (مهاجرین، ۱۳۸۰: ۴۴) و... می‌شود؛ در این صورت، می‌توان کاشف‌الغطاء را به تمام معنا یک متفکر و حتی از این بالاتر، یک عامل و کارگزار سیاسی نامید که دائماً در تلاش بود تا با حضور در عرصه سیاست، به مسلمانان و کشور خودش خدمت کند. علت اینکه وی در عصر خود، به‌رغم برجستگی‌های علمی و فقهی به مرجعیت عام و فراگیر دست نیافت، این بود که حضور مستمری در عرصه سیاست داشت و همین عامل باعث شده بود مرجعیت عام را کسب نکند؛ چرا که در آن عصر، نگاه مثبتی به این شکل به حضور در عرصه سیاست وجود نداشت. در شرایطی که حوزه علمیه نجف تقریباً از سیاست جدا نگه داشته شده بود، علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء به سیاست، روی خوش نشان داد و اعلام کرد که دخالت در سیاست از وظایف حتمی علمای دین است. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

یکی از فرزندان کاشف‌الغطاء، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و نامه‌های مرحوم کاشف‌الغطاء را تحت عنوان "السیاسة والحکمة" در نجف منتشر کرده است. ناشر این مجموعه می‌گوید: از برخی افراد شنیده‌ام که می‌گویند: امام بزرگوار (کاشف‌الغطاء) با اینکه عالم دینی است، چرا در سیاست دخالت می‌کند؟ درباره این سؤال از خود کاشف‌الغطاء پرسیدم که او این‌گونه پاسخ داد: «اگر مقصود از سیاست، ارشاد مردم و نصیحت به حاکمان و هشدار

### سیاست متعالیه

- سال سوم
  - شماره نهم
  - تابستان ۹۴
- سیاست اسلامی  
در اندیشه سیاسی  
علامه محمدحسین  
کاشف‌الغطاء  
(۸۹ تا ۱۰۲)

دادن به آنان و عموم مردم است تا در دام استعمار گرفتار نشوند، این چیزی است که من با تمام وجود در آن غرق هستم؛ زیرا آن را بر خود واجب می‌دانم و در این زمینه در برابر خدا احساس مسئولیت می‌کنم». (کاشف‌الغطاء، ۱۴۰۱: ۱۰۵)

علامه محمد حسین کاشف‌الغطاء در مواجهه با این سؤال که چرا وی به عنوان یک مرد دینی و روحانی در سیاست مداخله می‌کند، به توضیح مراد خود از سیاست و فلسفه دخالت خود در سیاست پرداخته است که می‌تواند نشان‌گر توجه عمیق دینی وی به سیاست باشد که برخاسته از همان رویکرد پیامبر اکرم (ص) و سایر ائمه معصومین (ع) در رابطه با حضور در عرصه سیاست است. کاشف‌الغطاء، سیاست را به معنای «خیرخواهی و خدمت و راهنمایی و جلوگیری از فساد و خیانت و نصیحت زمامداران و توده مردم و بر حذر داشتن آن‌ها از گرفتار شدن در زنجیر استعمار و بندگی و جلوگیری از افکندن دام‌ها و غل‌ها بر گردن ملت‌ها و کشورها» (کاشف‌الغطاء، بی‌تألف، ۸۵) دانسته و می‌گوید: «اگر معنای سیاست و دخالت در عرصه سیاست به این معناست، ما تا فرق سرمان در سیاست غرق هستیم و این از واجبات است.» (همان، ۹۶) سپس با بیان اینکه بنده خودم را در پیشگاه خدا و وجدان مسئول می‌بینم؛ دخالت در سیاست را از وظایف خود و اجدادش دانسته که بیش از سه سده، نه تنها در کشور عراق، بلکه در سایر نقاط دنیای اسلام، جزو پیشوایان دین بوده‌اند. مرحوم کاشف‌الغطاء در این نوع سیاست، که سیاست مثبت و مورد تأیید دین به شمار می‌رود، اصلاح جامعه را از اهم کارکردهای این نوع سیاست بر شمرده و معتقد است: «بدانید ارزش مندترین اعمال در عالم سیاست، سعی و تلاشی پیگیر برای ایجاد اصلاح زنان و مردان جامعه است.» (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) بنابراین، چنین سیاستی با چنین کارکرد و کارویژه‌ای مورد تأیید وی است.

### ب) سیاست منفی

کاشف‌الغطاء همچنین به سیاست منفی نیز اشاره کرده و آن را مطرود دانسته و این نوع سیاست را مقابل سیاست مثبت و اسلامی قرار داده است. ایشان از این نوع سیاست، ابراز انزجار و تنفر کرده و در تعریف این نوع سیاست می‌نویسد:

اگر معنای سیاست، ایجاد فتنه و اغتشاش و برادرکشی است تا به حکومتی برسند و بر تخت‌های نرم تکیه زنند، وحشیانه و خشونت‌آمیز نسبت به ملت رفتار کنند و برای تأمین منافع شخصی خود از قدرت و نفوذ خویش سوء استفاده نمایند و برای اجنبی دلالتی کنند تا ولو با ریختن خون‌ها باشد، آن‌ها را بر ملت و مملکت خویش مسلط سازند، اگر سیاست این است، من از آن به خدای دانا و شنوا پناه می‌برم. (کاشف‌الغطاء، بی‌تألف: ۸۷-۸۶)

وی در جای دیگری در توصیف این نوع سیاست در عالم و به خصوص در کشور خود که بدان مبتلا به بوده و باعث شکل‌گیری و تکوین اندیشه سیاسی وی شده، سیاست را نوعی دروغ، خیانت و حيله دانسته و می‌نویسد: «آیا سیاست امروز، جز حيله‌گیری و دروغ و خیانت به امت و سازش بر سر وطن و خدمت به استعمارگران است؟» (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۱۱)؛ آن‌گاه با الهام از این نوع سیاست می‌افزاید: «یکی از داعیان حق (ره) می‌گوید: خدا، سیاست و سیاست‌مداران و هر آنچه متعلق به سیاست است را لعنت کند!» (همان: ۳۱۲)

با توجه به اینکه در علم سیاست، از مفهوم قدرت و سلطه نیز سخن گفته شده است و همچنین برخی موضوع سیاست را قدرت دانسته‌اند، اشاره به توجه شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء به مفهوم قدرت نیز می‌تواند در اینجا قابل توجه باشد. وی در جلد پنجم کتاب تحریر المجله خود، به مفهوم قدرت اشاره کرده و می‌نویسد: «الْقُوَّةُ فِي الْحَقِّ وَ لَيْسَ الْحَقُّ فِي الْقُوَّةِ»<sup>(۱)</sup> (کاشف‌الغطاء، ۱۳۶۲ق، ج ۵: ۱۰۸) گفتنی است کتاب تحریر المجله که در حقیقت، دائره المعارف کوچک کم‌نظیری از اصطلاحات و قواعد فقهی است، کتابی است در قواعد فقهی که با سبک جدید و قابل هضمی، تمامی مباحث حقوق اسلامی را در ۱۸۴۱ ماده مورد بررسی قرار داده و با رعایت اختصار، قواعد فقه و مبانی حقوق اسلامی را با بیانی ساده و گویا تعریف کرده است. در جلد پنجم این کتاب که مفهوم قوه و قدرت در آن آمده، احوال شخصیه از قبیل نکاح، طلاق، وصیت و وقف، در ۲۶۱ شماره مورد بررسی قرار گرفته است. (انجوی‌نژاد، ۱۳۵۶، ش ۲۵: ۱۲۶)

### رابطه دین و سیاست در هرم سیاست اسلامی

یکی دیگر از مباحث و مقولاتی که در بررسی اندیشه سیاسی یک متفکر مورد توجه قرار می‌گیرد و از آن بحث می‌شود، بحث از رابطه میان دین و سیاست است که اغلب فقهای شیعی به گونه‌ای متعرض آن شده و در باب آن به بحث پرداخته و حتی مبانی فلسفی ارتباط این دو را نیز بیان کرده‌اند. شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء نیز از این دسته از فقهاست که علاوه بر حضور عملی در عرصه سیاست، دارای تفکر سیاسی در این باب و صاحب تئوری است. وی در جایی به فلسفه ارتباط وثیق میان دین و حکومت و یا دین و سیاست اشاره کرده و چرایی آن را مستند به سیره پیامبران و نیز ادله نقلی می‌کند که می‌تواند به مثابه بنیان‌های نظری ارتباط میان دین و سیاست مورد توجه قرار گیرد.

مرحوم کاشف‌الغطاء، چنان که در بحث از مفهوم سیاست از دیدگاه وی بیان شد، دخالت خود در سیاست را از جمله وظایف اجداد خود دانسته که همگی از پیشوایان دینی بودند. وی این هدف بزرگ و پیشوایی مسلمین در عرصه سیاست از سوی عالمان دینی را

نوعی خلافت الهی و جانشینی خداوند برشمرده و به این آیه شریفه استناد می‌کند که: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»<sup>(۲)</sup> (ص: آیه ۲۶)

همچنین وی به یکی از فرازهای یکی از زیارت‌های ائمه اطهار(ع) اشاره کرده می‌فرماید: «انتم ساسة العباد و اركان البلاد»<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup> علامه کاشف‌الغطاء با استناد به این بند از زیارت جامعه، دخالت در سیاست را سیره عملی معصومین(ع)؛ اعم از پیامبران و امامان دانسته و علمای دینی را به دخالت در سیاست فرا می‌خواند. وی سپس با بیان این که سیاست ما سیاست پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) است، این نوع سیاست دینی که برگرفته از سیاست پیغمبر و ائمه است، را سیاستی بر می‌شمارد که از هر گونه هوی و هوس و طمع و آلودگی به دور است و در واقع، نوعی سیاست پاک و منزّه است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>(۵)</sup> (ص: آیه ۲۶). در واقع، کاشف‌الغطاء با تبیین تئوریک دخالت علمای دینی در سیاست، با استفاده از آیات شریفه قرآن کریم و نیز احادیث و زیارات معصومین(ع) به سیره عملی آن‌ها نیز برای این تبیین، تمسک جسته و می‌گوید: اگر برخی دیگر از علما و روحانیون در سیاست دخالت نمی‌کنند، به دو دلیل است: اول، این که شاید نمی‌خواهند و دوم، این که نمی‌توانند و قدرت بر این کار را ندارند؛ و در حقیقت، این عدم دخالت را به سبب تقصیر یا قصوری می‌داند که از این دسته از علما و روحانیون سر زده است. (کاشف‌الغطاء، ۱۴۰۱: ۱۰۶-۱۰۵) نکته‌ای که در این میان، ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد، اینکه کاشف‌الغطاء از آن دسته علمای سیاست‌مدار و بسیار باهوش و زیرکی بود که برای ورود به عرصه سیاست، موقعیت‌های خاص را نیز در نظر می‌گرفت و این گونه نبود که به اصطلاح، نسنجیده اقدام کند؛ چنان که برای نمونه، در یکی از قیام‌هایی که در شهر نجف اشرف در سال ۱۹۱۸ میلادی صورت گرفت، کاشف‌الغطاء به همراه علمای دیگر همچون سید محسن حکیم و... در آن شرکت نجست و در واقع، عللی که برای این عدم دخالت و حضور در آن مقطع بیان شده است، ناشی از اطلاع دقیق وی از دسیسه انگلیسی‌ها و خیانت سران قبایل عشایر و نیز قلت عدّه مسلمین (ساعدی، ۱۳۸۶: ۹۶) و موارد دیگری است که حاکی از موقعیت‌سنجی و درک سیاسی بالای این عالم و مرجع تقلید برجسته شیعی است که می‌توان به عنوان تدبیر سیاسی از آن یاد کرد. البته این موارد ژرف‌اندیشی‌ها و تدبیرات ایشان برای ورود به عرصه سیاست، بسیار است.

مورد دیگری که نشان از درک بالا و عمق سیاسی این مرجع بزرگ دارد این است که در اسفندماه سال ۱۳۳۲ هجری شمسی (برابر با مارس ۱۹۵۴ میلادی) شخصی به نام گارلند ایوانز هاوکینز (Ivans hovkins)، نایب رئیس جمعیت دوستداران خاورمیانه، با

ارسال تلگرافی به علامه کاشف‌الغطاء، از وی خواست تا در کنگره‌ای که به اصطلاح مذهبی بود، اما در باطن و اصل قضیه، سیاسی بود، شرکت کند. آن‌ها در نامه خود برای ترغیب مرحوم کاشف‌الغطاء جهت حضور در این کنگره، اعلام کرده بودند که قرار است این کنگره، یک نشست مذهبی با حضور ۲۵ شخصیت مسیحی و ۲۵ شخصیت مسلمان باشد تا موضوعاتی چون: ارزش‌های معنوی در اسلام و مسیحیت، کرامت و منزلت از دیدگاه اسلام و مسیحیت، خطر کمونیسم در آن مقطع و پاسخ اسلام و مسیحیت به آن و نیز این موضوع که اسلام و مسیحیت در بُعد عمل برای انتقال ارزش‌های معنوی به نسل جوان چه روش‌هایی دارند و همچنین راه‌های همکاری مسلمانان و مسیحیان برای مبارزه با کمونیسم (سماک امانی، ۱۳۷۲: ۱۲۰) و موضوعاتی از این قبیل، مورد بحث و بررسی علمای دو دین بزرگ جهان، یعنی اسلام و مسیحیت قرار گیرد، اما کاشف‌الغطاء با درک نقشه آمریکایی‌ها که می‌خواستند در یک برنامه به ظاهر مذهبی، اهداف سیاسی خود را دنبال کنند، این گونه نوشت که بنده در این کنگره شرکت نخواهم کرد. علت اینکه وی از حضور در این کنگره که در شهر بجمدون لبنان برگزار شد، سر باز زد، این بود که وی با ژرف‌اندیشی سیاسی خود دریافت که آمریکایی‌ها به دلیل رقابت با شوروی که در آن مقطع، رقیب عمده‌ای برای آمریکایی‌ها به شمار می‌آمد، در جدال خود در جنگ سرد، هر کدام به دنبال ضربه‌زنی به دیگری و به قدرت رسیدن تمام عیار خود بودند، می‌خواهند از این حضور مسلمانان برای حذف کمونیسم استفاده کنند و بتوانند به راحتی بر کشورهای اسلامی چیره شوند و اهداف شوم استعماری خود را در منطقه و در کشورهای اسلامی دنبال کنند. به هر حال، وی با محاسبات سیاسی خود ضمن عدم حضور در این کنگره، نامه‌ای مفصل به این کنگره نوشت و اهداف و نقشه آن‌ها را نقش بر آب کرد. این نامه از چنان عمق و نفوذی برخوردار بود که همگان را تحت تأثیر خود قرار داد و همه، این هوش سیاسی و درک بالای این عالم شیعی را تحسین کردند. وی در این نامه ضمن تبیین دقیق مبانی والای دین مبین اسلام، به افشای چهره دروغین کشورهای استعماری از جمله آمریکا و انگلستان پرداخت و از همه مهم‌تر اینکه وی در این نامه، به جنایات صهیونیست‌ها در سرکوب مردم فلسطین و سایر کشورهای عربی با استفاده از سلاح‌های مدرن اشاره کرد و با بیان اینکه همه بدبختی‌های جهان اسلام، به آمریکا، انگلیس و فرانسه باز می‌گردد، گفت: تمام جنایت‌های آمریکا علیه کشورهای اسلامی و به خصوص مردم مظلوم فلسطین، به دستور آمریکا انجام می‌گیرد. (کاشف‌الغطاء، بی‌تاب: ۴۶)

## احزاب سیاسی در هرم سیاست اسلامی

بدون تردید، احزاب از نقش مهم و برجسته‌ای در نظام‌های سیاسی برخوردار هستند؛ به شرط اینکه احزابی توانمند و در خدمت کشور و نظام خود باشند و کارویژه‌های خود را به درستی اجرا کنند. توجه مرحوم کاشف‌الغطاء به احزاب نیز از نکات قابل تأمل در اندیشه و عمل سیاسی وی است. او با قائل شدن به انجام کارویژه‌های احزاب از جمله دست‌زدن به اصلاحات عمیق، مقتدربودن، تقویت همدیگر و... تعریف خود را از احزاب و کارویژه‌های آن به این صورت بیان می‌کند که:

تاکنون از احزاب، فایده مطلوبی ظاهر نشده و آن قدر نیرومند و مقتدر نشده‌اند که برای دست زدن به یک اصلاحات عمیقی، ملل را به سوی خود جلب کنند. نه تنها در عراق، بلکه در کلیه ممالک عربی بر اثر عدم همکاری و تقویت یکدیگر و... وضع چنین است. (کاشف‌الغطاء، بی تا، ج: ۸۵)

وی در خاتمه بحث خود از احزاب و کارویژه‌های آن‌ها ابراز امیدواری می‌کند که: احزاب بیدار این کشورها بتوانند به یک اصلاحات جدی و ثمربخشی دست بزنند.

### دیدگاه کاشف‌الغطاء درباره حضور زنان در عرصه سیاست

یکی از محورها و مسائل مورد بحث در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، بحث حضور زنان در عرصه سیاست و نقش آن‌ها در زندگی سیاسی است. هر چند پژوهش‌های موجود، نشان‌گر این مسئله است که برابری سیاسی زنان با مردان در جوامع امروزی، بیشتر از اینکه جنبه واقعی و عینی داشته باشد، جنبه حقوقی دارد. پژوهشگران سیاسی، موانع گوناگون بسیاری را در خصوص علت عدم مشارکت سیاسی واقعی زنان ذکر می‌کنند که در اینجا موضوع بحث نیست. به هر حال، واقعیت این است که در جوامع امروزی، به خصوص در جوامع غربی، به دلیل نوع نگاهشان به مرد و زن، نظریاتی ارائه شده که بیشتر مبتنی بر این موضوع است که طبع زنان با سیاست به معنای قدرت و خشونت، سازگاری و الفتی ندارد و معتقدند زنان باید خودشان را با واقعیت زندگی سیاسی سازش دهند و خصال مردانه لازم را کسب کنند. از طرف دیگر، نظریاتی نیز از سوی سوسیالیست‌ها و فمینیست‌ها مطرح شده که ضمن پذیرش عدم الفت طبع زنان با واقعیت قدرت به معنای رایج آن در جوامع مدرن صنعتی، معتقدند راه حل نه در تغییر خصلت زنان، بلکه تغییر در ساخت قدرت و مالکیت است؛ دولت و سیاست، پدیده‌ای مردسالارانه است و تنها با تغییر در ساخت قدرت می‌توان زنان را از لحاظ سیاسی فعال ساخت؛ وگرنه مشارکت زنان در زندگی سیاسی به مفهوم فردی رایج آن، در حقیقت به معنای زن‌زدایی است. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۸۹)



در اینجا به طور مختصر به دیدگاه مرحوم کاشف‌الغطاء در خصوص حضور زنان در عرصه سیاست پرداخته می‌شود. در عراق دوران کاشف‌الغطاء، کشورهای استعماری برای ورود به کشورهای اسلامی، یکی از راه‌ها را تشکیک در مسائل مذهبی و دینی می‌دیدند و بر طبل تساوی حقوق زنان و مردان می‌کوبیدند و می‌خواستند با تحریک زنان به حضور در عرصه سیاست، آن‌ها را از وظیفه اولیه خود که همان پرورش فرزندان دیندار و پاک بود، دور سازند. همین مسئله باعث شد تا کاشف‌الغطاء با توجه به جو موجود در عراق در رابطه با بحث حقوق سیاسی زنان، و همچنین اینکه در آن دوران، روزنامه‌های عراق، دائم به قضیه زن و جمعیت زنانی که حقوق سیاسی خود را مطالبه می‌کردند، می‌پرداختند، به تألیف رساله‌ای در باب زنان دست بزنند. این رساله، در برگیرنده مطالب مبسوطی درباره جایگاه زن در اجتماع از دیدگاه اسلام، همچنین وضعیت نامطلوب و اسف‌بار آن دسته از زنان عراقی که با فریب استعمارگران وارد صحنه‌های سیاسی و اجتماعی آن روز عراق شده بودند، بود و کاشف‌الغطاء در خاتمه این رساله، توصیه‌های دلسوزانه‌ای مبنی بر خودداری زنان از ورود به عرصه سیاست و نیز تلاش برای حفظ کرامت خود ارائه کرد. (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۷۲-۷۱) مرحوم کاشف‌الغطاء در آغاز نوشتار خود در باب زنان، با ذکر این مطلب که زنان، نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند و دارای حقوق و وظایفی هستند، به توجه خاص شرع مقدس اسلام به مسئله زنان و آزادی و کرامت این بخش از جامعه و بیان اینکه حدود یک چهارم یا بیشتر از آیات قرآن کریم به احکام زنان اختصاص دارد، اشاره می‌کند.

علامه محمد حسین کاشف‌الغطاء با بیان اینکه در جامعه، تقسیم کار وجود دارد، به وظایف زنان اشاره کرده و معتقد است مسئولیت بزرگ و شرافتمندانه زنان، تربیت و پرورش صالح، طیب و نیکوی طفل است؛ چرا که دامان مادران، اولین مدرسه کودکان است. به باور وی، خداوند متعال، زنان را به گونه‌ای خلق کرده است که اطفال را پرورش دهند تا مردانی تربیت یافته و جوانانی کارآمد شوند. اگر زن، صلاح و سداد یابد، همه جوامع بشری را به صلاح رهنمون می‌شود و اگر فاسد شود، انسانیت فاسد خواهد شد. به میزان فضیلت و صلاح زن یا فساد و سقوط اخلاقی او، فرزندان وی نیز صالح یا فاسد خواهند شد. هر اندازه زن در فرزند خود، روح بلندپروازی و شرف و همت عالی بدمد، فرزندش نیز با همین خصائل عالی رشد خواهد کرد. (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۱۰-۳۰۸) از دیگر وظایف زنان، اداره امور منزل است. در واقع، خانه و خانواده، در نگاه کاشف‌الغطاء، به تعبیری همان دنیاست؛ زیرا اساس خانواده در خانه و از طریق تربیت مدیر خانه تکون می‌یابد. اداره امور خانه بر عهده زن و اداره امور خارج از خانه، وظیفه مرد است. اساس دنیا و سیاست دنیا از

زن و برابری زن است. وی در ادامه مقاله خود پیرامون زنان و سیاست، با استفاده از تجربیات تلخ گذشته و مستند به آن‌ها از زنان می‌خواهد تا با حفظ کرامت خود از حضور در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی خودداری کنند، اما با این حال، از آن‌ها می‌خواهد تا در میدان‌های مبارزه با استعمارگران و حاکمان جور، همراه با مردان در عرصه مبارزه حضور داشته باشند؛ چنان که در صدر اسلام نیز زنانی در مبارزه علیه دشمنان اسلام حضور داشتند. کاشف‌الغطاء با بیان اینکه کدام وظیفه از این وظیفه؛ یعنی تربیت فرزندان صالح و تدبیر امور منزل، از این وظیفه شریف و مهم، ارزش‌مندتر است، از زنان سؤال می‌کند زن می‌خواهد حقوق سیاسی خود را بگیرد، آیا هدفش این است که مدیر یک ناحیه یا حاکم اداری شود و یا مشاغلی از این قبیل را به دست آورد؟ آن‌گاه ادامه می‌دهد: زن می‌خواهد شغل‌هایی مثل جاسوسی یا نمایندگی مجلس را برگزیند، ولی ما می‌خواهیم مسئولیت اصلاح اموری را بر عهده بگیرد که فروپاشی کیان مجلس را سبب می‌شود. زن می‌خواهد در سیاست و ریاست دخالت کند؛ آیا سیاست امروز جز حيله‌گری و دروغ و خیانت به امت و سازش بر سر وطن و خدمت به استعمارگران است؟

سپس علامه با بیان این مطلب که سیاست، عقول مردان که عنصری سخت و محکم هستند را به فساد کشانده است، می‌نویسد: چگونه زن، این عنصر ظریف و لطیف را فاسد نمی‌کند؟ زن را به سبب لطافت و ظرافتش، عنصر شیشه‌ای نامیده‌اند؛ زیرا به سرعت متأثر شده و می‌شکند. آن‌گاه به طور صریح، دیدگاه خود را درباره حضور زنان در عرصه سیاست بیان می‌کند که در حقیقت، بیشتر متأثر از فضای سیاسی آن روز و جو حاکم بر عراق آن روز بوده است.

کاشف‌الغطاء خطاب به زنان، این‌گونه دیدگاه خود را بیان می‌کند که: ای زنان آزاده و نجیب و مهذب! هرگز در آنچه مردان در آن دخالت می‌کنند که همان تصرف پست‌ها و مشاغل و هلاک ساختن این شرف دروغین است، شما دخالت نکنید. سپس با اشاره به وضعیت آن روز حضور زنان در عرصه جامعه و سقوط دختران جوان به دره هلاکت و فساد خود و به فساد کشاندن جوانان دیگر می‌نویسد: «آیا تشکیل محافل و اجتماعاتی که هدفش مقابله با این مهلکات است، برای شما سودمندتر از آن نیست که به دنبال مطالبه حقوق سیاسی و دخالت در مناصب اداری و قضایی باشید؟» (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۱۱) آیا اسفناک نیست که جامعه زنان در عین حال که به چنین بلایی مبتلا هستند، دم از مطالبه حقوق سیاسی بزنند؟ همچنین در باب حقوق سیاسی زنان و وظایف آن‌ها در جای دیگری می‌نویسد: «از حقوق سیاسی زنان و مردان و از وظایف آنان است که مراقب عملکرد دولتمردان باشند و برای ریشه‌کن کردن استعمار و قطع دست‌های استعمارگران از

کشورهای اسلامی با شدت هر چه تمام‌تر بر آن‌ها بشورند و از آن‌ها انتقام انقلابی بگیرند.» (کاشف‌الغطاء، بی‌تاج: ۷۶) چنان که عین همین مطلب را با تعبیری دیگر در مقاله خود پیرامون حضور زنان در عرصه سیاست آورده و می‌نویسد: از جمله حقوق سیاسی زنان و مردان، این است که همگی چنان مراقب و مُحاسبِ حکام باشند که گویی جنگ‌جویی خشمگین و انقلابی در برابر ستم‌گران از آن‌ها بازجویی می‌کند. (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) به هر حال، آنچه در بحث وی از حضور زنان در عرصه سیاست، قابل توجه است، اینکه وی در این بحث، با ورودی منطقی به بحث و توصیف و گزارشی از وضعیت آن روز جامعه عراق، به تمامی ابعاد حضور زنان در عرصه سیاسی توجه می‌کند. چنان که در همان مقاله خود پیرامون حضور زنان در عرصه سیاست، با ذکر نام زنانی شجاع همچون حضرت فاطمه زهرا(س) و زینب کبری(س) و خطبه‌های آن‌ها در مجالس مختلف می‌نویسد: انتظار ما از زنان آزاده و نجیب این عصر، این است که چنین شجاعتی داشته باشند؛ شجاعتی که آن‌ها را به قیام و شورش بر ضد ستم‌گران بر انگیزاند و همواره بر ضد استعمارگران به فریاد اعتراض و محاسبه اعمال مسئولین وا دارد. به باور وی، مهم‌ترین مسئولیتی که بر دوش بانوان، سنگینی می‌کند، اقدام برای نجات زن از فساد و فحشاء است و نیز کوتاه کردن دست مزدوران و عاملان این مرض کشنده و معالجه دیگر امراض اجتماعی که شر آن، سراسر ممالک اسلامی را فرا گرفته است. برای دستیابی به این اهداف می‌بایست دست به اصلاحات ریشه‌ای زد. (همان: ۳۲۰)

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء در یکی از مقاطع حساس تاریخ کشورهای اسلامی می‌زیست و از جایگاه و موقعیت بالایی در حوزه علمیه نجف اشرف برخوردار بود، بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی وی می‌تواند دستاوردها و نتایج مؤثر و تأثیرگذاری به همراه داشته باشد. برای نمونه، یکی از نتایجی که با واکاوی و بازخوانی اندیشه و عمل این فقیه برجسته به دست می‌آید، دیدگاه وی در خصوص ارتباط میان دین و سیاست بود؛ به گونه‌ای که وی همواره بر حضور علما در عرصه سیاست تأکید می‌کرد و حتی خطاب به کسانی که وی را به دلیل ورود به مسائل سیاسی مورد انتقاد قرار می‌دادند و حتی به او انگ جاه‌طلبی می‌زدند، می‌گفت: من تا فرق سر در سیاستی که به معنای خیرخواهی و خدمت و راهنمایی و جلوگیری از فساد و خیانت و نصیحت زمامداران ... است، غرق هستم و این از واجبات است. بنابراین، می‌توان یکی از دستاوردهای پژوهش حاضر و شناخت اندیشه سیاسی این متفکر بزرگ را ارتباط وثیق میان دیانت و سیاست و

نیز حضور علما و فقها در عرصه سیاسی برای احقاق حقوق ملت مسلمان خود و سایر کشورهای اسلامی و مبارزه با ظلم و ستم عنوان کرد. هر چند در آن موقعیت و در زمانی که وی وارد مسائل سیاسی می‌شد، بسیاری از علما به او انتقاد می‌کردند و حتی جایگاه خود را برای کسب مرجعیت عام نیز به واسطه همین حضور مستمر در عرصه سیاسی از دست داده بود؛ چرا که در آن مقطع، نگاه مثبتی نسبت به کسانی که در عرصه سیاسی حضور پیدا می‌کردند، وجود نداشت.

نتیجه دیگری که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد، نوع نگاه ایشان به حضور زنان در عرصه سیاست بود که بیشتر، متأثر از وضعیت زمانه خودش بود؛ چرا که استعمارگران و ساختار حاکم بر نظام سیاسی موجود در زمان وی، زنان را در دستگاه‌های مختلف به کار می‌گرفتند و این باعث فساد و تباهی جوانان شده بود. به گونه‌ای که کاشف‌الغطاء در برابر این مسئله، خواستار پرداختن و اهتمام زنان به وظیفه اصلی خود، یعنی تربیت فرزندان صالح و نیز تدبیر منزل شد؛ چرا که معتقد بود سیاست حاکم بر آن زمان، عقول مردان را به تباهی می‌کشاند؛ چه برسد به زنان که جنس لطیفی هستند و شکننده‌تر.

### پی‌نوشت‌ها

۱. قدرت در حق است و نه حق در قدرت.
۲. ای داود! تو را جانشین خود در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم به حق حکومت کن.
۳. شما سیاست‌مداران خلق و ارکان مملکت هستید.
۴. زیارت جامعه کبیره. لازم به ذکر است که شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه، از یکی از یاران حضرت امام هادی(ع) روایت کرده است که گفت: خدمت آن حضرت(ع) عرض کردم: یابن رسول الله! زیارتی به من تعلیم فرما که از حیث بلاغت کامل باشد و با آن، هر کدام از شما را که خواستم زیارت کنم. حضرت(ع)، این زیارت را با آداب مقدماتی‌اش که شامل غسل زیارت و... بود، به وی یاد داد.
۵. از هوس‌های خود پیروی نکن؛ زیرا تو را از راه خدا منحرف می‌کند.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آوای بیداری (۱۳۷۲) (ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت چهلمین سال رحلت آیت الله شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء).

۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی»، تهران، نشر نی.
۴. ساعدی، محمد جاسم (۱۳۸۶)، «کاشف‌الغطاء امام الوحده و الاصلاح»، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، المعاونه الثقافيه.
۵. سماک امانی، محمدرضا (۱۳۷۲)، «کاشف‌الغطاء، سوره خشم»، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ج اول.
۶. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۸۸)، «آئین ما»، ترجمه و تحقیق ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ق)، «تحریر المجله»، النجف الاشرف: المكتبه الرضويه، ج ۵.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱ق)، «فی السیاسة و الحکمة»، بیروت، دارالتوجیه الاسلامی.
۹. \_\_\_\_\_ (بی تا الف)، «نمونه‌های اخلاقی در اسلام (ترجمه المثل العلیا فی الاسلام لافی بحمدون)»، تبریز، مطبعه شفق، ج اول.
۱۰. \_\_\_\_\_ (بی تا ب)، «نامه‌ای از امام کاشف‌الغطاء، به ضمیمه نطق تاریخیشان در کنفرانس اسلامی پاکستان»، ترجمه ف. ج. بی جا، کانون انتشارات جیبی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (بی تا ج)، «الدین و الاسلام أو الدعوة الاسلامیه»، ج ۱، بیروت، دارالمعرفه.
۱۲. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰)، «اندیشه سیاسی مسکویه»، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. نجفی، موسی (۱۳۷۸)، «تعامل دیانت و سیاست در ایران»، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ج اول.
۱۴. انجوی‌نژاد، سیدمهدی (۱۳۵۶) «زندگانی و آثار شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء»، مشهد، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره ۲۵.